عکس: سیدوحید حسینی | فرهیختگان

با یلدا مهربان باشیم

اعتراض مصوّر به قیمت‌ها در طولانی‌ترین شب سال

سیدوحید حسینی
روزنامه‌نگار و دبیر تحریریه

شب یلدا هر سال می‌آید، اما سفره‌اش دیگر شبیه گذشته نیست مقایسه قیمت‌ها در یک خیابان با همان مغازه‌ها و حتی همان فروشنده‌ها روایت پنج سال تغییر آرام اما سنگینِ معیشت است. امسال هم مثل سال‌های ۱۳۹۹، ۱۴۰۰ و ۱۴۰۳، برای ثبت و مقایسه قیمت‌های شب یلدا دوباره به خیابان شهرستانی میدان امام حسین(ع) آمدم. خیلی ترافیک بود؛ چون همه چند دوره گذشته حدود ظهر ۲۹ آبان می‌رفتم عکاسی با هر زور و ضربی بود، خودم را رساندم به همان خیابانی که سال‌هاست مبنای این گزارش‌های تصویری من است. معیار، مثل همیشه عکس‌هایی بود که دقیقاً ۲۹ آبان سال‌های قبل گرفته شده بودند. تلاش کردم همان مغازه‌ها و همان راسته‌ها در قاب دوربین قرار بگیرند تا مقایسه، واقعی باشد.

خیابان شهرستانی را از کودکی می‌شناسم با مادرم برای خرید می‌آمدیم امسال اما بیش از هر چیز، مقایسه با گذشته توی ذوق می‌زد.

نکته‌ای که برای خودم هم قابل توجه بود اینکه حتی در سال‌های ۱۳۹۹ و ۱۴۰۰، با وجود کرونا و محدودیت‌ها، خیابان شهرستانی شلوغ‌تر از امسال بود حتی یادم است برای عکاسی کردن مرتب مردم به‌خاطر ازدحام به من می‌خوردند و می‌رفتند؛ حالا بیشتر می‌ایستند، قیمت می‌پرسند و رد می‌شوند کلاً خیلی اهل اغراق کردن و سوزناک کردن گزارش نیستم، تماماً عین مشاهداتم است.

برای دقیق‌تر شدن گزارش، عکس‌های سال‌های قبل را روی گوشی به فروشنده‌ها نشان می‌دادم. بعضی از آن‌ها خودشان در همان عکس‌ها بودند پشت همان مغازه، کنار همان ترازو یا حتی من را می‌شناختند دیگر. واکنش‌ها اغلب شبیه هم بود مکث، نگاه دوباره به عکس و یک جمله تکراری: «واقعاً! نه بابا... چند سال پیشه؟ به همکارش رو می‌کند و می‌گوید اول قیمت و ببین بعدم من و ببین چقد پیر شدم و... زمزمه‌ای زیر زبانی» بعضی‌ها با تعجب می‌خندیدند و بعضی فقط سر تکان می‌دادند.

در سال ۱۳۹۹ قیمت هر کیلو هندوانه شب یلدا حدود ۲۵۰۰ تومان بود در سال ۱۴۰۰ به ۸۰۰۰ تومان رسید در ۱۴۰۳ قیمت حدود ۲۵ هزار تومان ثبت شد و امسال، هندوانه یلدایی با نرخ تقریبی ۳۵ هزار تومان فروخته می‌شد همان مغازه، همان ترازو، فقط عددها عوض شده‌اند. انار، تغییرات شدیدتری را نشان می‌داد سال ۱۳۹۹ هر کیلو انار بین ۱۵۰۰۰ تا ۲۰۰۰۰ تومان قیمت داشت در ۱۴۰۰ به ۳۰۰۰۰ تا ۳۵۰۰۰ تومان رسید. در ۱۴۰۳ قیمت‌ها به حدود ۸۰ تا ۱۲۰ هزار تومان جهش کرد و امسال، بسته به کیفیت، بین ۱۵۰ تا ۲۷۰ هزار تومان فروخته می‌شد. وقتی این عددها را کنار عکس‌های قدیمی می‌گذاریم، اختلاف بیشتر از آن است که توضیح بخواهد. قیمت برنج طارم محلی سال ۱۳۹۹ بود ۳۲۰۰۰ تومان سال ۱۴۰۰ به ۵۰۰۰۰ تومان و امسال به ۳۷۵۰۰۰ تومان رسیده است. قیمت لوبیا چیتی سال ۹۹ کیلویی ۴۰۰۰۰ تومان بود و امسال رسیده به ۴۶۰۰۰۰ تومان، گوشت راسته گوسفندی از کیلویی ۸۵۰۰۰ تومان سال ۹۹ رسیده به حدود ۹۰۰۰۰۰ تومان و...

بررسی قیمت اقلام دیگر مثل سایر حبوبات، پنیر، سیب، گلابی و... نشان می‌دهد بیشترین افزایش در کالاهای اصلی سفره مردم رخ داده است. فروشنده‌ها می‌گویند برنج دیگر مثل گذشته کیسه‌ای خریده نمی‌شود و گوشت، در بسیاری از موارد، از سبد خرید حذف شده یا به حداقل رسیده است.

جمله‌ای که بارها شنیده می‌شود: «سؤال زیاد شده، خرید کم.»

در کنار قیمت‌ها، چهره خیابان هم تغییر کرده مقایسه عکس‌های پنج سال اخیر نشان می‌دهد تعدادی از مغازه‌ها تعطیل شده‌اند یا تغییر کاربری داده‌اند بعضی میوه‌فروشی‌ها و خواربارفروشی‌های قدیمی حالا جای خود را به مغازه‌های فروش اجناس ارزان و بی‌کیفیت چینی داده‌اند تغییراتی که فقط اقتصادی نیست و بر هویت این راسته هم اثر گذاشته است. این گزارش، بیش از آن‌که روایت عددها باشد، نتیجه کنار هم گذاشتن عکس‌هاست؛ عکس‌هایی که نشان می‌دهد در فاصله پنج سال هم قیمت‌ها جهش کرده‌اند و هم توان خرید مردم کاهش یافته است.

شب یلدا هنوز برای بسیاری مهم است، اما شکل خرید تغییر کرده. خرید کمتر، انتخاب محدودتر و حذف تدریجی اقلامی که زمانی بدیهی بودند و به نوعی واجب بر سر سفره یلدا و شب‌نشینی‌های سنتی.

وقتی این تصاویر کنار هم قرار می‌گیرند، یک نکته روشن می‌شود؛ مسئله فقط گرانی نیست، مسئله کوچک‌شدن سفره مردم است. یلدا همچنان برگزار می‌شود؛ اما هر سال با هزینه بیشتر و سهم کمتر و شاید همین دقیق‌ترین توضیحی باشد که عکس‌ها از وضعیت معیشت امروز به ما می‌دهند.

دوشنبه اول دی ۱۴۰۴
شماره ۴۵۸۸
FARHIKHTEGANDAILY.COM
FARHIKHTEGANONLINE

سال گذشته ۲۵ کوهنورد جانشان را از دست دادند

صعود یا سقوط؟

سیدعلیرضا طاهری
خبرنگار

فصل سرد سال، با بارش‌های برف و باران، درحالی‌که برای کشاورزان و مناطقی که با بحران کم‌آبی دست‌وپنجه نرم می‌کنند، نویدبخش عبور از فصل خشک سال است؛ اما برای علاقه‌مندان به کوهنوردی و کوهنوردان حرفه‌ای چالش‌هایی اساسی به همراه دارد. مهر تا اسفند به دلیل شرایط جوی ناپایدار، کاهش دما و مشکلاتی مانند کولاک و ریزش بهمن در کوهستان‌ها، به یکی از خطرناک‌ترین دوره‌ها برای فعالیت کوهنوردی تبدیل می‌شود. با این حال پیش‌بینی‌های سازمان آب و هوایی کشور و وجود هشدارهای مکرر نهادهای مسئول مانند جمعیت هلال‌احمر و فدراسیون کوهنوردی، چراغ راهی برای افرادی است که تصمیم دارند به کوهستان‌ها بروند. با وجود تمامی هشدارها و اطلاع رسانی‌ها، برخی از علاقه‌مندان به کوهنوردی با بی‌توجهی کامل به توصیه‌های ایمنی و با اشتیاقی جنون‌آمیز اقدام به حضور در کوهستان‌ها و صعود از کوهای پرخطر می‌کنند. این سفرها بعضاً به آسیب‌های جسمانی و حتی به مرگ منجر می‌شود. اشتیاق و شوق به حضور در کوهستان‌ها بی‌دلیل نیست. ایران به دلیل وجود رشته‌کوه‌های مرتفع مانند البرز و زاگرس و قله‌های معروفی نظیر دماوند و علم‌کوه، طرفداران بسیاری برای کوه‌نوردی دارد. علی‌رغم هشدارهای فراوان هلال احمر روز یکشنبه ۲۳ آذرماه ۱۴۰۴، گزارشی از سوی قرارگاه کوهنوردی پلور مبنی بر مفقودی یک کوهنورد در ارتفاعات ضلع جنوبی قله دماوند منتشر شد. پس از دو روز عملیات نجاتگران هلال احمر درنهایت پیکر «طاهره حاصلی» در مسیر صعود انفرادی به قله دماوند و در ارتفاع ۴۶۰۰ متری پیدا شد.

سرمازدگی، یکی از عوامل مرگ کوهنوردان

در شرایطی که تمام مراجع رسمی صعود به کوه را ممنوع می‌دانند، یکی از تلخ‌ترین اتفاقات برای کوهنوردان سرمازدگی نفرات است، به‌ویژه در ارتفاعات بالا که دما به زیر صفر می‌رسد. سرمازدگی یکی از شایع‌ترین علل مرگ‌ومیر کوهنوردان در کوهستان‌ها به شمار می‌رود، چراکه بدن کوهنوردان در برابر سرما و بادهای شدید کوهستانی به‌سرعت گرمای خود را از دست داده و در صورت نبود تجهیزات بسیار حرفه‌ای و نبود یک راهنمای با تجربه، می‌تواند در عرض چند ساعت شرایط کوهنورد را به حالت بحرانی تبدیل کند. سرمازدگی اما همه قصه سختی کوهنوردان در شرایط نابسامان کوهستان‌ها نیست، بلکه ریزش بهمن در شیب‌های پوشیده از برف، به‌ویژه در مناطقی مانند اشترانکوه یا دماوند، یکی از تهدیداتی است که در کسری از ثانیه جان تمام کوهنوردان را می‌گیرد. در سال‌های اخیر شاهد بودیم که در کنار سرمازدگی و ریزش بهمن، گم‌شدن در مسیرهای کوهستانی از عوامل دیگری است که کوهنوردان را در شرایط نامناسب جوی تهدید می‌کند؛ چراکه به دلیل کاهش دید و نبود تجهیزات مسیریابی مانند GPS، حوادثی به وجود می‌آید که شاید ساعت‌ها یا روزها طول بکشد تیم‌های امدادی به محل حادثه برسند؛ البته در مواقعی نیز تیم‌های امدادی در پیدا کردن افراد موفق نمی‌شوند.

صعود با وجود هشدارهای مکرر

در سال‌های گذشته نحوه اطلاع‌رسانی و سازوکارهای اطلاع‌رسانی و امدادی به نسبت دهه ۸۰ و اوایل دهه ۹۰ بهتر شده است. با این حال با وجود هشدارهای مکرر نهادهای مسئول، از جمله فدراسیون کوهنوردی و جمعیت هلال‌احمر که از کوهنوردان می‌خواهند در شرایط جوی نامناسب از صعود به ارتفاعات خودداری کنند، برخی افراد با انگیزه‌های نامعلوم و بدون رعایت اصول حرفه‌ای، راهی کوهستان می‌شوند و جان خود و بعضاً امدادگران را به خطر می‌اندازند. این کوهنوردان تنها پس از چند ساعت با مشکلات جدی مواجه شده و یا از مراکز امدادی درخواست کمک می‌کنند. و یا اینکه در بدترین حالت، در میانه طوفان‌های کوهستانی جان خود را از دست می‌دهند و هیچ‌گاه جسد آن‌ها به نزد خانواده خود بر نمی‌گردد. این بی‌توجهی و عدم‌گوش‌سپاری به هشدارهای مسولان نه‌تنها جان کوهنوردان را به خطر می‌اندازد، بلکه خطرات قابل توجهی را بر تیم‌های امدادی وارد می‌کند. تیم‌های نجات برای پیدا کردن کوهنوردها معمولاً از هلیکوپتر استفاده می‌کنند؛ اما در شرایط جوی نامناسب مانند کولاک شدید یا مه غلیظ، اغلب قادر به انجام عملیات سریع و مؤثر نیستند. در بعضی اوقات نیز تلاش‌های امدادی به دلیل شرایط خطرناک کوهستان به نتیجه نمی‌رسد و خود امدادگران نیز در معرض خطر و حتی از دست دادن جانشان قرار می‌گیرند.

۷۹۰ قربانی در ۶ سال

بر اساس اطلاعاتی که خبرنگار «فرهیختگان» به‌دست آورده کوهنوردی در ایران طی دهه‌های اخیر با حوادث متعددی همراه بوده است. در فاصله سال‌های ۱۳۹۰ تا ۱۳۹۶ شمسی، حدود ۷۹۰ نفر از هم‌وطنان به دلیل حوادث کوهنوردی جان خود را از دست دادند. این رقم، به طور متوسط، معادل ۱۱۳ مرگ در سال است که عمدتاً به دلیل عدم رعایت اصول ایمنی، بی‌توجهی به هشدارهای هواشناسی، و صعودهای غیرحرفه‌ای رخ داده است. حوادثی مانند سقوط از ارتفاع، سرمازدگی، گم‌شدن در مسیر، گرفتار شدن در کولاک و ریزش‌های بهمن از مهم‌ترین عوامل از دست دادن جان افراد در کوهستان‌ها بوده است.

تعداد جان‌باخته‌ها در کوهستان به زیر ۳۰ نفر رسیده است

از سال ۱۳۹۷ به بعد، با جامعه‌پذیر کردن افراد، ارتقای شیوه‌های اطلاع‌رسانی و آموزش‌های متعدد توسط فدراسیون کوهنوردی، و از همه مهم‌تر با شروع محدودیت‌های ناشی از همه‌گیری کرونا در سال‌های ۱۳۹۹ تا ۱۴۰۰، تعداد مرگ‌ومیرهای ناشی از کوهنوردی در ایران کاهش قابل‌توجهی داشته است. برای مثال، در سال ۱۴۰۲، تعداد مرگ‌ها به حدود ۳۰ نفر و در سال ۱۴۰۳ به حدود ۲۵ نفر رسید. این کاهش در مقایسه با اطلاعات آماری در بازه زمانی سال‌های ۱۳۹۰ تا ۱۳۹۶ قابل توجه است.

تضمینی برای نجات کوهنوردان وجود ندارد

آمار منتشر شده از مراجع رسمی در سال‌های اخیر با نوساناتی زیادی مواجه بوده با این حال یکی از نکات برجسته در این اطلاعات منتشر شده، موفقیت قابل توجه تیم‌های امدادی در پیشگیری از حوادث ناگوار است. برای مثال تنها در سه ماهه سال ۱۳۹۸، حدود ۲۵۰۰ نفر از کوهنوردان که در شرایط حساس گرفتار شده بودند، توسط تیم‌های امداد و نجات هلال‌احمر از خطر نجات یافتند. با وجود توسعه زیرساخت‌ها و تبدیل تجهیزات به ابزارهای پیشرفته همچنان شرایط جوی نامناسب، مانند کولاک‌های شدید یا مه غلیظ، گاهی عملیات امداد را غیرممکن می‌کند و در برخی مناطق صعب‌العبور مانند زاگرس یا علم‌کوه، دسترسی زمینی نیز با مشکلات متعددی مواجه می‌شود که زمان امدادرسانی را طولانی‌تر می‌کند. حادثه‌های اخیر، مانند تلاش‌های ناموفق امدادی در برخی مناطق به دلیل شرایط جوی، به ما می‌گوید هیچ تضمینی برای نجات کوهنوردان در معرض خطر وجود ندارد. لذا این موضوع، اهمیت پیشگیری و رعایت نکات ایمنی توسط خود کوهنوردان را بیش از پیش طلب می‌کند. حوادث کوهنوردی در فصل سرما تنها متعلق به ایران نیست، بلکه پدیده‌ای جهانی است که در کشورهای متعددی مانند نپال، پاکستان، ایالات متحده و... رخ داده و همچنان ادامه دارد. در نپال، صعودهای اورست هر ساله به دلیل کولاک و کمبود اکسیژن قربانی‌های متعدد می‌گیرد؛ در پاکستان، کوهنوردی در کوه‌های K۲ حوادث متعددی رقم زده و در ایالات متحده در دنالی و رینیر همچنان با حوادث متعددی مواجه است؛ فرانسه و سوئیس نیز در آلپ، به‌ویژه مون بلان، کوهنوردان با سرمازدگی و بهمن‌های مکرر دست‌وپنجه نرم می‌کنند و ژاپن سالانه صدها مرگ ناشی از هیپوترمی در کوه‌های محلی گزارش می‌دهد؛ این موارد تنها بخشی از حوادث در فصل سرما در کشورهای جهان است.

۵ عامل حیاتی برای جلوگیری از حادثه در کوهستان

طبق گفته مسئولان هلال احمر و سازمان کوهنوردی برای کاهش خطرات کوهنوردی در فصل سرما، رعایت نکات ایمنی ضروری است. کوهنوردان باید پیش از صعود، وضعیت جوی را از منابع معتبر مانند سازمان هواشناسی ایران بررسی کنند و در صورت هشدارهای طوفان یا بارش سنگین، از صعود اجتناب کنند. همچنین صعود انفرادی در فصل سرما به شدت خطرناک است. کوهنوردان باید در گروه‌های آموزش‌دیده و با هماهنگی فدراسیون اقدام به صعود کنند.

لباس‌های چندلایه ضدآب و عایق حرارتی، کفش‌های مخصوص کوهنوردی، و ابزارهای ضدبهمن (مانند بیل، پروب، و بیکن) ضروری هستند. همچنین شرکت در دوره‌های آموزشی فدراسیون کوهنوردی، از جمله تکنیک‌های بقا در سرما و مسیریابی، می‌تواند خطر حوادث را کاهش دهد. اطلاع‌رسانی به فدراسیون یا هلال‌احمر درباره مسیر و زمان‌بندی صعود، امکان امدادرسانی سریع‌تر را نیز فراهم می‌کند.

پیشکسوت کوهنوردی: کسی که به کوه می‌رود دچار نوعی ذوق و شوق صعود می‌شود

ذبیح‌الله حمیدی، از پیشکسوتان کوهنوردی کشور و مؤسس باشگاه کوهنوردی است. وی بیش از ۱۰ صعود به قله‌های خارجی و بیش از ۱۰۰ صعود داخلی موفق را در کارنامه ورزشی خود دارد. حمیدی در گفت‌وگو با «فرهیختگان» در رابطه با شرایط صعود به کوه و شوق کوهنوردان در صعودهای زمستانه گفت: «کسی که به کوه می‌رود، دچار نوعی ذوق و شوق صعود می‌شود. این ذوق و شوق به‌دلیل ترشح هورمون‌هایی در بدن است که فرد را سرحال و مشتاق ادامه صعود می‌کند. هرچه بالاتر می‌روید، این اشتیاق بیشتر می‌شود و اوج آن لحظه‌ای است که به قله می‌رسید؛ همان نقطه نهایی کار. کوهنورد، چون هدف مشخصی را دنبال می‌کند و آن هدف رسیدن به قله است، تحت تأثیر این حالات به صعود ادامه می‌دهد. در این‌جا یک جمله بسیار حیاتی در کوهنوردی مطرح می‌شود: غلبه ذوق و شوق صعود بر رفتار منطقی. متأسفانه در برخی لحظات، رفتار منطقی فراموش می‌شود. فرد آن‌قدر در شور و اشتیاق صعود غرق است که شاید توصیف یا درک این حالت برای کسی که زیاد کوه نرفته دشوار باشد؛ اما کسانی که تجربه زیادی در کوه دارند، دقیقاً متوجه منظور من می‌شوند.»

برخی اشتباه‌ها، هم قیمت جان کوهنورد است

وی ادامه داد: «وقتی روز قله است، زحمت‌های زیادی کشیده شده، قله نزدیک است، هنوز وقت هست، هنوز هوا روشن است و امکانات هم فراهم به نظر می‌رسد؛ همه تلاش خود را می‌کنند تا به قله برسند. درست در همین لحظات است که ممکن است رفتار منطقی کمرنگ شود. فرض کنید فرد به قله می‌رسد و از آن لذت می‌برد؛ اما در زمان بازگشت هوا تاریک می‌شود، سرما شدت می‌گیرد، مسیر گم می‌شود یا خستگی مفرط سراغشان می‌آید. این‌ها مسائلی است که یک کوهنورد باتجربه باید بتواند آن‌ها را از قبل پیش‌بینی کند. اگر این پیش‌بینی انجام شود، می‌توان از بسیاری از حوادث دوری کرد. با این حال، واقعیت این است که گاهی این وضعیت‌ها واقعاً غیرقابل کنترل می‌شوند و این حالت برای بسیاری از کوهنوردان اتفاق افتاده است؛ متأسفانه در برخی موارد جان خود را از دست داده‌اند یا همراهانشان را از دست داده‌اند. کوهنوردی، علاوه بر همه مسائلی که از پیش‌بینی هواشناسی شروع می‌شود تا برنامه‌ریزی صحیح، انتخاب تجهیزات مناسب، انتخاب مسیر درست و انتخاب همنوردان مناسب ادامه دارد، در نهایت به همان ذوق و شوق صعود می‌رسد. در همین نقطه است که ممکن است کوهنورد در مقطعی دچار اشتباه شود؛ اشتباهی که گاهی به بهای جان او تمام می‌شود.»

۵ درصد از کوهنوردان عضو باشگاه‌های کوهنوردی‌اند

حمیدی درباره فعالیت کوهنوردان زیرنظر باشگاه‌های کوهنوردی نیز تصریح کرد: «افرادی که عضو باشگاه‌ها هستند و زیر نظر باشگاه کوهنوردی می‌کنند، معمولاً برنامه‌ریزی مشخص و اصولی دارند؛ اما تعدادشان در مقایسه با کل کوهنوردان بسیار اندک است. کسانی که در باشگاه‌ها فعالیت می‌کنند شاید حدود ۵ درصد از کوهنوردان ایران را تشکیل بدهند؛ دست‌کم آمارها چنین چیزی را نشان می‌دهد. ما حدود چهار هزار باشگاه در سطح کشور داریم و در استان تهران حدود چهل باشگاه فعال است. حالا اگر هر باشگاه چهل تا پنجاه نفر یا حتی صد نفر عضو داشته باشد، باز هم عدد بزرگی نمی‌شود. در نهایت، اکثریت کوهنوردان کسانی هستند که به‌صورت آزاد، خانوادگی یا غیرسازمانی فعالیت می‌کنند. کوهنوردی به‌نوعی به یک کار آکادمیک تبدیل شده و نیازمند آموزش اصولی است. این آموزش‌ها زمانی به‌درستی منتقل می‌شود که افراد وارد باشگاه‌ها شوند. یادگیری از اینترنت، تلگرام یا واتساپ بد نیست و می‌تواند مفید باشد؛ اما جای تجربه عملی را نمی‌گیرد. آن تجربه‌ای که فرد در کنار کوهنوردان باتجربه، در فضای واقعی و انسانی به دست می‌آورد، چیز دیگری است. افراد باید وارد باشگاه‌هایی شوند که قانون‌مند هستند و کارشان را به‌درستی انجام می‌دهند. بعد از هر حادثه کوهنوردی، متأسفانه بیشترین آسیب، علاوه بر فرد و خانواده‌اش، به جامعه کوهنوردی وارد می‌شود و ذهنیت عمومی مردم را نسبت به این ورزش تحت تأثیر قرار می‌دهد.»